

باوجود تلاش‌های نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای پیروزی در میدان «فیزیکی» و «ذهنی» جنگ او همه عرصه‌ها را واگذار کرده است

نتانیا‌هو دوگانه‌سوز شد



سیدمهدی طالبی دبیرگروه جهان‌شهر

جنگ دارای دو بعد است؛ میدان فیزیکی و میدان ذهنی. در میدان فیزیکی، شدت تلفات و تخریب در دو سوی درگیری تعیین‌کننده پیروز است و در میدان ذهنی، برداشت دیگران طرف پیروز را تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد در جهان کنونی نقطه‌نقل تعیین‌کننده پیروز جنگ، میدان ذهنی باشد. این دو به یکدیگر مرتبطند و بر همدیگر تاثیر دارند. به عنوان نمونه جنگ در مواقعی که توازن میان دوطرف وجود ندارد، منجر به تلفات و سطح تخریب غیرقابل مقایسه در طرف ضعیف‌تر می‌شود اما ناکامی طرف قدرتمند در دسترسی به اهدافش می‌تواند در برداشت‌ها، طرف مجهزتر را به جای بازنده نشاناند. در همین راستا بود که سیدحسن نصرالله، دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان دیروز (دوشنبه) در

جریان مراسم یاد بود شهادت «سیدمصطفی بدرالدین» (سید ذوالفقار) از فرماندهان این نیرو که در جریان جنگ سوریه به شهادت رسید، بر شکست صهیونیست‌ها در میدان ذهنی تاکید کرد. فرمانده مقاومت لبنان گفت: «اگر بخواهیم نتایج جنگ کنونی را ارزیابی کنیم، باید به آنچه رسانه‌های دشمن درباره شکست نتانیا‌هو و ارتشش می‌گویند توجه کنیم.» به گفته این مقام عالی‌رتبه محور مقاومت، در طول جنگ خسارات راهبردی زیادی بر رژیم تحمیل شده و تل‌آویو در این مدت نتوانسته به هیچ‌کدام از اهداف اعلام شده خود در غزه دست یابد. دولت نتانیا‌هو هدف خود از جنگ را آزادسازی اسرا و نابودی حماس اعلام کرده بود. نصرالله می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین نتایج این است که این رژیم اعتراف می‌کند به پیروزی نرسیده و ۷۰ درصد اسرائیلی‌ها خواهان استعفای رئیس ستاد ارتش هستند.» با توجه به وضعیت جنگ، در این گزارش به بررسی وضعیت میدان فیزیکی و میدان ذهنی پرداخته شده است.

میدان فیزیکی

۱. تونل‌ها

ارتش رژیم صهیونیستی از همان ویژگی‌های برتری‌ساز نظامی غرب بهره می‌برد. ارتش رژیم با برتری فناوری و اقتصادی در صورت مواجهه با دشمن روی زمین می‌تواند آن را به سرعت درهم کوبیده و به پیروزی برسد. فناوری، برتری کیفی و اقتصاد، برتری کمی را در اختیار رژیم قرار داده است. در هوا نیز صهیونیست‌ها می‌توانند در آسمان با نیروی هوایی دشمن مقابله کرده و زمین را نیز از طریق هوا بکوبند. این برتری روی نیروهای محدود و با تجهیزات اندک مقاومت در غزه مشهودتر است. مقاومت اما با آغاز جنگ از دشت و مناطق باز عقب‌نشینی کرده و با پنهان شدن در تونل‌ها فرصت نابودی خود را از دستان تل‌آویو ربود. صهیونیست‌ها راه‌های مختلفی برای از بین بردن تونل‌ها انجام دادند. آنها با بمباران مداوم و وسیله بمب‌های سنگر شکن، اعزام تیم‌های تخریب تونل با مواد شدیدالانفجار، تخریب تهویه و به آب بستن تونل‌ها در نابودی این سازه ناکام ماندند. رژیم امید داشت با طولانی شدن جنگ نیروهای مقاومت از حضور در تونل‌ها خسته و ناتوان شوند که این اتفاق نیز رخ نداد. بلایی که تونل‌های غزه بر سر تل‌آویو آوردند را تاکنون کمتر سازه نظامی بر سر دشمن آورده است.

۳. نابودی زرهی

مقاومت با استفاده از بمب‌های کنار جاده‌ای، چسبان و راکت‌های ضدتانک دومرحله‌ای خود موفق شد ضربه‌ای بزرگ به موجودی تانک‌ها، نفربرها و بولدوزهای زرهی رژیم وارد آورد. برای یک ارتش کلاسیک «زرهی» ابزار اصلی برای پیش‌روی و تثبیت نیروها در زمین است. براساس آخرین آمارهای اعلام‌شده از سوی حماس، ۱۰۰۰ تانک رژیم در نوار غزه مورد اصابت قرار گرفته‌اند. با توجه به ضعف تسلیحات ضد زره موجود در غزه در مقایسه با زرهی به شدت پیشرفته رژیم، تجهیزات صهیونیست‌ها نابود نشده اما به شکل جدی آسیب دیده و برای ماه‌ها از چرخه عملیاتی خارج شده‌اند. صهیونیست‌ها پیش از جنگ دارای ۲۲۰۰ تانک عملیاتی بودند که به این ترتیب ۴۵ درصد یا نیمی از تانک‌های تل‌آویو در غزه برای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت از کار افتادند. این ضربه باعث شد امکان پیش‌روی و استقرار رژیم در غزه سلب شده و علاوه‌بر آن قابلیت صهیونیست‌ها برای ایجاد تهدید علیه سوریه و لبنان کاهش یابد. این تضعیف به معنای ارتقای وضعیت نیروهای مقاومت لبنان علیه صهیونیست‌ها بود. ضربات غزه، نیروی زمینی رژیم را از یک نیروی منطقه‌ای با قابلیت پیش‌روی در خاک کشورهای اطراف به یک نیروی محلی فروکاستند.

۵. فرسودگی عملیاتی

برای گروه‌های چریکی که فعالیت‌شان با آمادگی مداوم و سختی‌های بزرگ عجین شده، جنگ و عملیات‌های طولانی مدت باعث فرسودگی نیست. ارتش‌های کلاسیک اما وضعیت متفاوتی دارند. بر همین اساس نیز کشورهای غربی با وجود برتری کمی و کیفی در عرصه‌ها، بر تهاجمی برق‌آسا و تمام کردن کار دشمن در زمانی کوتاه تاکید دارند. مقاومت با به کارگیری سازه‌ها، تجهیزات و تاکتیک‌های متناسب تلاش کرد زمان را در جنگ منبسط کند. جنگ طوفان الاقصی امروز در هشتمین ماه خود است. مقاومت غزه با بازی موش و گربه وضعیت عملیاتی مداومی به صهیونیست‌ها تحمیل کرده و به دلیل ذات بازی تل‌آویو قادر به موفقیت نهایی در آن نیست. وضعیت عملیاتی پیوسته تحمیل‌شده به صهیونیست‌ها درحالی است که عملیات شکست‌خورده متفقین در جنگ جهانی دوم به نام مارکت گاردن ۹ روز و عملیات موفق متفقین در این جنگ با نام نرماندی ۳ ماه به طول انجامید. بسیاری از یگان‌های رزمی رژیم به دلیل فرسودگی ناشی از وضعیت دائمی در محیط عملیاتی به‌شدت فرسوده بوده و قادر به تحرک نیستند. بر همین اساس است که تل‌آویو ذلت را در مرزهای شمالی پذیرفته و قادر به انجام اقدام موثری علیه لبنان نیست.



۲. حفظ نیرووامکانات

تاکتیک‌های مقاومت به‌شدت روی حفظ نیروها و تجهیزات متمرکز بوده است. این تاکتیک‌ها اما باعث شده دشمن مجبور شود تن به مخاطرات بیشتری بدهد. محور مقاومت برای کاهش تلفات انسانی و مادی، از حملات انفرادی یا گروه‌های کوچک برای تهاجم بهره می‌برد. یک یا چند نفر-کمتر از تعداد انگشتان یک دست- از نیروهای مقاومت از طریق تونل‌ها، ساختمان‌ها و خرابه‌ها عبور کرده و به‌طور ناگهانی کاروان‌های زرهی دشمن را در حین حرکت یا توقف مورد اصابت قرار می‌دادند. آنچه در این حملات اهمیت داشت پوشش حرکتی، سرعت عمل و بازگشت سریع بود. قطعاً در چنین حملاتی از میزان تلفاتی که می‌توانست بر دشمن وارد شود کاسته می‌شد اما در مقابل دارایی‌های مقاومت نیز برای ادامه نبرد سالم می‌ماند. اگر مقاومت با نفرات و تسلیحات بیشتری به دشمن یورش می‌برد تلفات در میان صهیونیست‌ها اندکی افزایش می‌یافت اما ریسک تلفات خودی به‌شدت بالا می‌رفت. صهیونیست‌ها شاید علاقه داشتند کشته‌های بیشتری بدهند اما در یک بازه زمانی مشخص سازمان رزم مقاومت به لحاظ نیرو و تجهیزات ضربه ببیند. این فضا اما در اختیار تل‌آویو قرار نگرفت و مقامت برای جنگ طولانی مدت سالم ماند.

۴. ضربه به نیروی هوایی

مقاومت غزه به سامانه‌های پدافند هوایی موثری دسترسی ندارد و آسیب دیدن نیروی هوایی رژیم از این نیرو دشوار است؛ با این حال در جنگ طوفان الاقصی بدون ساقط شدن یک جنگنده از صهیونیست‌ها این اتفاق رخ داده است. فلسطینی‌ها تنها از موشک‌های دوشپرتاب قدیمی بهره می‌برند. این موشک‌ها عمدتاً پس از بحران داخلی در لیبی و غارت انبارهای تسلیحاتی این کشور به بازار سیاه راه یافته و به غزه رسیده‌اند. این موشک‌ها با توجه به ارتفاع پروازی جنگنده‌ها و سطح حرارتی پایین پهپادها قادر به هدف قرار دادن آنها نیستند. باگذردها نیز به سامانه‌های لازم برای منحرف ساختن موشک‌ها مجهزند. با این حال مقاومت با استقرار در تونل‌ها و رعایت جدی اصول حفاظتی باعث شد رژیم مجبور شود به شکل بی‌رویه‌ای دست به بمباران غزه برای پاکسازی مناطق آلوده بزند. این بمباران‌ها چیزی متفاوت از بمباران‌های برای کشتار مردم هستند. این بمباران‌ها در مناطق عملیاتی و برای تخریب تونل‌ها، میدان جنگ و اطمینان از آلوده نشدن مجدد آنها صورت گرفتند. این موضوع باعث شد تل‌آویو چشمانش برای دریافت ۳۰۰۰ بمب به دستان واشنگتن باشد. بدون مهمات، نیروی هوایی رژیم مثل گرگ در زنجیر است.

۶. کمکی و جایگزین

پس از عملیات ۷ اکتبر ضلع‌های محور مقاومت در داخل و خارج از مرزهای فلسطین اشغالی به عنوان نیروی کمکی وارد نبرد علیه رژیم شده و نقش جایگزین برای مقاومت غزه را نیز برعهده گرفتند. این نیروها با مشغول ساختن ارتش رژیم در چند جبهه منابع انسانی، مادی و روانی تل‌آویو را تقسیم کرده و عرصه ضربه به منافع رژیم صهیونیستی را در ابعاد جغرافیایی توسعه دادند. گفته می‌شود مقاومت لبنان موفق شده یک سوم توان زمینی ارتش رژیم را به مرزهای شمالی کشانده و آنها را مشغول کند. شدت یافتن حملات لبنان باعث شد صهیونیست‌ها از بیم تهاجم، بخشی از واحدهای رزمی خود را در اوج جنگ غزه به شمال گسیل کنند. در سوی دیگر مقاومت عراق با استفاده از پهپاد، موشک‌های کروز و در تعداد کمتری موشک‌های کروز پدافند هوایی رژیم را مجبور به شلیک‌های مداوم می‌کند که این امر یکی از عوامل کاهش ذخایر پدافندی تل‌آویو است. همزمان یعنی‌ها نیز خطوط دریایی رژیم را مسدود کرده و حملاتی به داخل سرزمین‌های اشغالی داشته‌اند. تل‌آویو نه‌تنها در چند جبهه درگیر شده بلکه عرصه‌های درگیری رژیم نیز متنوعند و از خطوط دریایی و مشغول‌سازی پدافند هوایی گرفته تا تخریب زیرساخت‌ها توسعه یافته‌اند.

میدان ذهنی

۲. نخبگان

لیندسی گراهام، سناتور آمریکایی روز یکشنبه در گفت‌وگو با تلویزیون ان‌بی‌سی‌نیوز با تاکید بر اینکه اقدام آمریکا در بمباران هیروشیما و ناکازاکی با تسلیحات هسته‌ای که به جنگ پایان داد کار درستی بود از دولت بایدن درخواست کرد بمب بیشتری به رژیم بدهد تا تل‌آویو کار غزه را تمام کند. این اظهارات در ماه هشتم جنگ با مقاومت غزه به‌عنوان کوچک‌ترین ضلع محور مقاومت تایید شکست رژیم است. پیش از این در ماه دوم جنگ یکی از وزرای کابینه نتانیا‌هو تهدید کرده بود تل‌آویو باید برای پایان دادن به جنگ از سلاح‌های هسته‌ای علیه غزه استفاده کند. علاوه‌بر سیاستمداران که با اظهارات خود نشان می‌دهند رژیم در جنگ شکست خورده است، رسانه‌های جریان اصلی غرب مانند نیویورک تایمز، گاردین و سی‌ان‌ان نیز از شکست رژیم صحبت می‌کنند. در ذهن سیاستمداران و رسانه‌های غربی مدافع صهیونیست‌ها، تل‌آویو به دلیل ناکامی در دستیابی به اهدافش طرف بازنده است. در چنین فضایی دولت نتانیا‌هو قادر به ساخت تصویر پیروزی در جنگ برای خود نیست، زیرا بزرگ‌ترین مدافعان صهیونیسم هم به آن اعتقادی ندارند. از بد حادثه، اقدامات نخست‌وزیر رژیم برای ایجاد تصویر پیروزی مانند حمله به رفح ضمن ناکام ماندن به عاملی برای ادراک عمیق‌تر از شکست تل‌آویو بدل می‌شوند.

همزمان در ارتش نیز وضعیت خوب نیست. پس از استعفای آهارون حالیاو رئیس اطلاعات ارتش (امان) و دانیل هاگاری سخنگوی ارتش، یورام حمو مسئول مسائل راهبردی در شورای امنیت ملی رژیم نیز در فتنه جاری از سمت خود استعفا داد. همزمان با این تحول، شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی در گزارشی اعلام کرده، هرتمسی هالیوی، رئیس ستاد ارتش اسرائیل نیز در مراسمی عمومی، مسئولیت شکست روز ۷ اکتبر را به عهده گرفت. این اقدام توسط ورنن بار، رئیس شاپاک نیز تکرار شده است. هرچند اظهار نظر مقامات نظامی و امنیتی رژیم در برهه کنونی نسبت به ۷ اکتبر اعلام می‌شود اما عملاً معطوف به نتایج کلی جنگ است. آنها به مدت ۸ ماه از پذیرش مسئولیت شکست خودداری کرده بودند تا باکسب دستاورد خود را از چنین اقدامی بی‌نیاز کنند. با این حال پذیرش مسئولیت شکست ۷ اکتبر بیش از ۲۰۰ روز بعد از آن، نشانی از پذیرش شکست در تمام این روزهاست.